



Critical Discourse Analysis of the Imamiyyah Interpretive Heritage Based on Norman Fairclough's Model

Fatemeh Dastranj^{a*}

^a Associate Professor, Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

KEYWORDS

narrative exegesis,
Imamiyyah,
critical discourse
analysis,
Fairclough

Received: 05 May 2025;
Accepted: 09 July 2025

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/thr.2025.2059817.1102

ABSTRACT

Discourse analysis of Islamic interpretive heritage not only opens new avenues for applying modern linguistic theories to religious texts and examining their relationship with textual understanding, but also offers a fresh perspective on the comprehension of religion itself. A key aspect of this renewed approach lies in the fact that most research frameworks in discourse analysis emphasize the social function of language beyond its linguistic forms. This study aims, through a descriptive-analytical method, to explore the interpretive heritage of the Imamiyyah in Medina using Norman Fairclough's critical discourse model. It considers the cultural, educational, political, and social structures within which the texts were produced, in order to arrive at a new understanding of Imamiyyah interpretive discourse. The findings indicate that the development of Imamiyyah interpretive discourse unfolds across three levels, shaped by the political, social, and cultural contexts of various historical periods: the phase of emergence and consolidation, the phase of expansion and flourishing, and finally the phase of stagnation and decline. The central signifier of this discourse is the emphasis on reviving and preserving the Prophetic tradition of Qur'anic interpretation. This effort generated a continuous interpretive flow led by the Imams (peace be upon them) as the principal actors (true interpreters), followed by their students as receptive agents who contributed to the continuity of this tradition. This interpretive current, from its inception to its decline, stood in contrast to rival discourses that held dominant political and social power. Such power structures restricted the dissemination of the Imamiyyah interpretive school and its discourse.

* Corresponding author.

E-mail address: f-dastranj@araku.ac.ir

©Author





تحلیل گفتمان تراث تفسیری امامیه براساس الگوی انتقادی نورمن فرکلاف

فاطمه دست رنج^{الف}*

الف دانشیار، علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، f-dastranj@araku.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
تفسیر روایی، امامیه، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف	گفتمان‌کاوی تراث اسلامی، علاوه بر آنکه عرصه‌های جدیدی را جهت تطبیق مباحث زبان‌شناسی نوین بر متون دینی و بررسی ارتباط آنها با فهم این متون فراهم می‌کند می‌تواند دریچه‌ای تازه به فهم دین بگشاید. گوشه‌ای از این نگاه تازه از آنجاست که اکثر رویکردهای پژوهشی در گفتمان‌کاوی، کاربست اجتماعی زبان و فراتر از صورت‌های زبان‌شناختی را وجهه همت خود قرار می‌دهند. پژوهش حاضر در صدد است با روش توصیفی-تحلیلی، میراث تفسیری امامیه در مدینه را بر اساس الگوی گفتمان انتقادی فرکلاف و با ملاحظه ساختارهای فرهنگی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی موجود که متن در بستر آن به وجود آمده، به دریافت تازه‌ای از گفتمان تفسیری امامیه دست یابد. نتایج حاکی از آن است در سطوح سه‌گانه سیر تکوین گفتمان تفسیری امامیه برآمده از بافت موقعیت و شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه در برهه‌های مختلف تاریخی است که شامل سه دوره پدیداری و تثبیت، دوره توسعه و شکوفایی و درنهایت دوره رکود و افول است. دال مرکزی گفتمان، پافشاری بر احیا و بقای سنت تبیین نبوی از قرآن است که این تلاش، جریان مستمری را رقم زد که در رأس آن ائمه (ع) به‌عنوان کنشگران اصلی (مفسران حقیقی) و در سطوح بعدی شاگردان ایشان به‌عنوان کنش‌پذیرانی هستند که در تداوم این جریان ایفای نقش می‌کنند. این جریان تفسیری از دوره پدیداری تا دوره افول در تقابل با گفتمان‌های رقیبی است که قدرت ظاهری سیاسی و اجتماعی جامعه را در اختیار دارند. ساختار قدرتی که عرصه را برای اشاعه گفتمان مدرسه تفسیری امامیه محدود می‌کند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

مقاله علمی پژوهشی

۱. بیان مسئله

به کارگیری گفتمان‌کاوی در مطالعات دینی، علاوه بر آنکه عرصه‌های جدیدی را پیش رو می‌گذارد، بر پیچیدگی و حساسیت آن نیز می‌افزاید. تطبیق مباحث زبان‌شناسی نوین بر متون دینی و بررسی ارتباط آنها با فهم این متون از زمینه‌های کاربردی پژوهشی است و می‌تواند دریچه‌ای تازه به فهم دین بگشاید. گوشه‌ای از این نگاه تازه از آنجاست که اکثر رویکردهای پژوهشی در گفتمان‌کاوی، کاربست اجتماعی زبان و فراتر از صورت‌های زبان‌شناختی را وجهه همت خود قرار می‌دهند. به بیان دیگر، گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که یک مفهوم کلی را در برمی‌گیرد و در گفتمان‌کاوی، مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. از این رو گفتمان عبارت است از کاربرد زبان در بافت (ایدئولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی) برای تولید معنا (ون دایک، ۱۳۸۷، ۱۷). همچنین می‌توان گفتمان را رویکردی ساختاری به متن دانست که امکان اتصال

متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. در واقع گفتمان، حاصل مطالعه زبان به‌عنوان یک پدیده اجتماعی یا رویکردی جامعه‌شناختی به مقوله زبان است و دلالت بر آن دارد که متن، امری اجتماعی است که در خلال روابط اجتماعی و نه بیرون و مستقل از آن تکوین می‌یابد (فرقانی، ۱۳۹۷، ۶۰). از این طریق رویکردهای کاربردی زبان‌شناسانه در تحلیل متون، امکان دریافت معانی تازه‌ای از آنها را به شیوه‌ای روشمند فراهم می‌آورد. ازجمله این رویکردها در مواجهه با متون، روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف^۱ است که یکی از دیدگاه‌های مهم در حوزه گفتمان‌کاوی به شمار می‌رود؛ زیرا هدف این روش، نظام‌مند کردن و استفاده بهینه از مؤلفه‌هایی نظیر تحلیل واژگان و اصطلاحات، بررسی یکپارچگی متن، سیاق و بررسی روابط بینامتنی است که معنای مرکزی متن را شکل می‌دهند (شکرانی و دیگران، ۱۳۸۹، ۹۹). تحلیل گفتمان با رویکردی زبان‌شناسانه، به بررسی چگونگی پیوند آثار زبانی- ادبی با محیط و شرایط اجتماعی و تأثیر این وضعیت بر چندوچون متون ادبی- زبانی می‌پردازد.

ازآنجا که قدرت حاکم، نقشی اساسی در شکل‌گیری گفتمان بر جامعه ایفا می‌کند، متون ادبی- زبانی، بازتابی از محیط اجتماعی و شرایط فرهنگی و سیاسی عصر خود به شمار می‌رود؛ بنابراین، روش گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف که متن را در سطوح مختلف معنایی، سبکی و موقعیت یا بافت اجتماعی آن بررسی می‌کند، کارایی فراوانی در تحلیل انواع متون دینی دارد؛ چنان‌که اخیراً در مطالعات میان‌رشته‌ای، میان تحلیل گفتمان همچون یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی و مطالعات متون دینی پیوند برقرارشده و واکاوی و بازخوانی متون دینی از این دریچه، موضوع پژوهش‌های گوناگونی قرارگرفته است. در پژوهش حاضر به بررسی ادوار تکوین مدرسه تفسیری امامیه در عصر حضور^۲ ائمه علیهم‌السلام خواهیم پرداخت. بازشناسی مدارس تفسیری ازجمله مباحث ضروری در تاریخ تفسیر و دربردارنده نگرش‌ها، روش‌های خاص و اختصاصات ویژه‌ای است که مفسران در تبیین آیات وحی به کار بسته‌اند. شناخت این اختصاصات و ویژگی‌ها علاوه بر ترسیم فضای علمی و فرهنگی حاکم بر جامعه اسلامی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن بر جریان‌های سیاسی، سنجه خوبی برای قضاوت و داوری نسبت به محتوای تفاسیر صورت پذیرفته و میزان انطباق آن‌ها با ملاک و معیارهای تفسیر صحیح است. بازشناسی روند و سیر تکوین گفتمان تفسیری امامیه در مدینه از آن حیث که مدینه خاستگاه وحی الهی و سنت نبوی (ص) است و نیز به دلیل حضور ائمه اطهار (ع) و جایگاه و منزلت آن بزرگواران در مقام مفسران الهی و نیز حضور جمع کثیری از صحابه و تابعین، ضرورتی غیرقابل انکار است. ازآنجا که نورمن فرکلاف در رویکرد تحلیل گفتمانی خود علاوه بر اهمیت دادن به سطح زبانی و درونی متن به لایه بیرونی آن نیز توجه می‌کند و ضمن تبیین رابطه میان ملاک‌های درونی و بیرونی متن می‌کوشد قدرت مسلط جامعه و فضایی را که متن در آن شکل گرفته از طریق سه محور توصیف، تبیین و تفسیر واکاوی و نوعی مفهوم ایدئولوژیک را در ورای متن، بازخوانی و بازبایی کند؛ ازاین‌رو در این پژوهش بر اساس روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، این روند و سیر را بررسی و تحلیل می‌کنیم تا مشخص شود که با در نظر گرفتن ساختارهای سیاسی و اجتماعی که گفتمان تفسیری امامیه در بستر آن شکل گرفته چه مراحل را پشت سر نهاده و گفتمان غالب در هرکدام از این ادوار و مراحل چگونه رقم خورده است. خاصه آنکه فرکلاف در رویکرد خود به چگونگی و چرایی تولید گفتمان می‌پردازد و زمینه‌های ایدئولوژیکی و ساخت‌های

1. Norman Fairclough

۲ - منظور از عصر حضور ائمه (ع) در این پژوهش، بازه زمانی رحلت پیامبر (ص) تا پایان سال ۲۵۴ هجری قمری مصادف با شهادت امام هادی (ع) است؛ زیرا آغاز امامت امام هادی (ع) در مدینه بوده است. هر چند به دلیل اقتضائات سیاسی، مجبور به ترک مدینه شدند.

قدرت را که در تولید گفتمان مؤثرند، تبیین می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

از آنجاکه پژوهش حاضر یک پژوهش میان‌رشته‌ای است می‌توان از دو سو به سابقه پژوهش‌های پیشینی اشاره نمود. در باب بررسی مدرسه تفسیری امامیه می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «مدرسه تفسیری مدینه و میراث قرآنی شیعه» به قلم آقای محمود ملکی اشاره کرد. ایشان در این اثر، تنها به بررسی راویان مفسر شیعه پرداخته و مدنی بودن را با ملاکی ذوقی بسط داده لذا تمام راویانی را که در مدینه از ائمه نقل حدیث کرده‌اند مدنی تلقی کرده‌اند.

در دیگر سو باید یادآور شد که در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در حوزه تحلیل گفتمان به‌مثابه شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی در مواجهه با متون دینی در قالب کتاب و مقاله صورت گرفته است. برخی از این پژوهش‌ها به بررسی مبانی و کلیات موضوع پرداخته‌اند؛ مانند کتاب «تحلیل گفتمان انتقادی» تألیف «فردوس آقا گل‌زاده» که در آن به بیان کلیات و اصول رویکرد گفتمان انتقادی و چگونگی بهره‌گیری از این روش اهتمام شده است. در پاره‌ای دیگر از پژوهش‌ها نیز با در نظر گرفتن یک نمونه، جنبه‌های گوناگون آن مورد مطالعه قرار گرفته است، چنان‌که در حوزه روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، پژوهش‌هایی با این جهت‌گیری انجام شده و قرآن و پاره‌ای دیگر از متون دینی مطالعه شده است؛ اما در این میان پژوهشی که به تحلیل گفتمان سیر تکوین مدرسه تفسیری امامیه بپردازد یافت نشد. از این‌رو در پژوهش حاضر با این زاویه نگاه به بررسی ادوار تکوین مدرسه تفسیری امامیه پرداخته می‌شود.

۳. روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

گفتمان^۳ فرآیند تولید معنا است و ریشه در زبان‌شناسی دارد و از جمله روش‌های کیفی تحقیق به شمار می‌رود که می‌توان از آن به‌مثابه ابزاری قدرتمند برای فهم محتوا و ساختار استفاده کرد. این فرآیند معنایی که از سوی گفته‌پرداز^۴ تولید شده، از سوی گفته‌یاب^۵ درک و دریافت می‌شود. تحلیل گفته^۶ یا گفتمان متأثر از عوامل سطح زبانی و فرازبانی است (کوبلی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۶۰۰). در این روش در سطح فرازبانی از تحلیل گفتمان برای کشف و تبیین ارتباط متن با عناصر و کارکردهای فکری و اجتماعی بهره گرفته می‌شود (یار محمدی، ۱۳۸۳، ۱۴۳). از این‌رو تحلیل‌گر می‌کوشد تفسیر خود را از تفاسیر طرفین مشارکت‌کننده در گفتمان ارائه دهد تا کارکرد اجتماعی گفتمان آشکار شود (Jaworski & Coupland, 1999, 12). طبعاً این تلاش به کشف معانی ظاهری و مستتر در جریان‌های گفتمانی منجر می‌شود و در شکل‌های گوناگون زبانی و فرازبانی ظهور می‌یابد (بشیر، ۱۳۸۵، ۱۴).

«گفتمان» انواع گوناگونی دارد که تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف یکی از مهم‌ترین آنها است. فرکلاف در رویکرد خود میان علوم اجتماعی و زبان‌شناسی ارتباط برقرار کرد؛ یعنی محدوده تحلیل گفتمان را به سطح جامعه، تاریخ و ایدئولوژی توسعه داد. به اعتقاد فرکلاف آنچه در تحلیل گفتمان مغفول مانده، بازنمایی ایدئولوژیکی است (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۶، ۱۹). از نظر او، برای رسیدن به این سطح از تحلیل گفتمان باید از دو سطح توصیف و تفسیر عبور کرد. از این‌رو، در تحلیل گفتمانی انتقادی فرکلاف سه سطح مدنظر است: سطح توصیف که در آن ساخت‌شناسی و معناشناسی در

-
3. Discourse
 4. enunciator
 5. enunciate
 6. utterance

سطح واژگانی و تا حدودی کاربردشناسی زبان مورد توجه قرار می گیرد. در سطح تفسیر تحلیل گفتمان با توجه به بافت موقعیت و عوامل بینامتنی، پیش می رود و در نهایت در سطح سوم، به توضیح تولید متن پرداخته می شود که در واقع همان تبیین است. در این سطح، متن در ارتباط با عوامل تاریخی، جامعه شناختی، ایدئولوژیک و زمینه اجتماعی دانش ها و فرهنگ های جاری، تبیین می شود (Fairclough, 2001, 91-117). بنابراین می توان گفت رویکرد فرکلاف در تحلیل گفتمان در حقیقت روشی کیفی است که گفتمان را در سه لایه متن، بافت موقعیت و بافت اجتماعی و ایدئولوژیک، پردازش می کند. از نظر فرکلاف «زبان بخشی از جامعه است؛ به این معنا که پدیده های زبانی، پدیده هایی اجتماعی اند و از آن سو، تنها برخی از پدیده های اجتماعی تا حدودی، پدیده های زبانی محسوب می شوند؛ یعنی همه پدیده های زبان شناختی را نمی توان، پدیده های اجتماعی برشمرد» (Ibid, 22).

۴. بررسی و تحلیل گفتمان تراث تفسیری امامیه

تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، کوششی معرفت شناسانه و مبتنی بر بازنمایی چگونگی شکل گیری متون و محتواپذیری آنها تحت تأثیر بافت متن، بافت موقعیت و بافت موضوع است تا بتوان در پرتو شناسایی این ابعاد سه گانه به بهره افزون تری از حقیقت موضوع مورد مطالعه دست یافت. این کوشش در سه سطح صورت می گیرد.

۴.۱. سطح توصیف

مقصود از سطح توصیف شناخت متن در چارچوب بافت متن و ربط منطقی بین واژگان و معناست. از این رو، نقطه تمرکز تحلیل الگوی سه قسمتی «فرکلاف»، متن است. در این سطح لایه ها و ویژگی های ظاهری متن در قالب بررسی تک واژه ها، جمله ها و ساختار آن مورد توجه قرار می گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۱۷۲). برای رسیدن به این منظور باید به پرسش هایی در مواجهه با متن پاسخ گفت تا ارتباط میان واژگان و بافت زبانی آن در نسبت با معنای متن آشکار شود. منظور از متن در این نوشتار تفسیر امامیه است که ذیل مدرسه تفسیری امامیه شکل گرفته است. از این رو برای دریافت سیر گفتمان تفسیری به بررسی گزاره هایی چون اصطلاح شناسی (واکاوی واژگانی)، ارزش های تجربی، رابطه ای و بیانی، کنشگران و مشارکین گفتمانی و وجهیت پرداخته می شود.

❖ اصطلاح شناسی گفتمان تفسیری

با عنایت به این که تفسیر دانشی است با ضوابط و منطق خاص خود که با استفاده از آن می توان به مراد متکلم یا متن پی برد، مراد از گفتمان تفسیری همان مکتب تفسیری است که ناظر به مؤلفه های نظری و عملی در چگونه تفسیر کردن قرآن است و یا بر گروهی از مفسران اطلاق می شود که در کیفیت تفسیر قرآن دیدگاه و روش مشترکی دارند (بابایی، ۱۳۸۶، ۱۸). دانش تفسیر با تبیین های پیامبر اکرم (ص) و با پاسخ به پرسش های صحابیان از چگونگی آیات و حقایق نهفته در آن، در زمان رسول خدا بنیان نهاده شد و پس از آن بزرگوار با تفسیر صحابیان گسترش بیشتری یافت. از آنجا که امام علی (ع) به عنوان سرآمد مفسران در مدینه حضور داشتند و سایر ائمه (ع) نیز به عنوان مراجع فکری و زعیمان فرهنگ اسلامی، غالباً در مدینه بوده اند از این رو بخش مهمی از حدیث و به تبع آن تفسیر که در ابتدا صبغه نقلی داشته در مدینه شکل گرفته است. هر چند در مقاطعی از تاریخ اسلام نظیر دوره امام سجاد (ع) شیعه و تفکر شیعی ظهوری ندارد، اما باید خاطر نشان ساخت راویان و عالمان شیعی به پیروی از آل الله حدیث را نوشتند و بر تفسیر کتاب الله تأکید ورزیدند؛ بنابراین اگر در رابطه با تفسیر که در آغاز شکل روایی و نقلی داشته است، بحث شود مشخص

خواهد شد که در قرن اول حدیث نوشته و مکتوب می‌شده و بحث‌های حدیثی مرتبط با سنت نبوی (ص) منطبق با تفکر شیعی است و شیعه از آغاز به تفسیر و میراث حدیثی پیامبر (ص) و ائمه (ع) توجه داشته است.

❖ ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی

فرکلاف ویژگی‌های صوری را دارای سه ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی می‌داند. ارزش‌های تجربی در واقع همان بازنمایی جهان طبیعی از دید تولیدکننده متن است که اثرات ساختی آن در دانش و اعتقادات بروز می‌یابد. به این معنا که مولد متن جهان اجتماعی و طبیعی را چگونه ترسیم می‌کند. بخش از بازنمایی گفتمان در تولید ارزش‌های تجربی را می‌توان در شناسایی ساختار گفتمان تفسیری امامیه در محدوده جغرافیایی مدینه دانست. منظور از «اهل مدینه» که از آنان به «مدنی» نیز تعبیر می‌شود، شامل انصار، مهاجران و کوچندگان به مدینه پس از فتح مکه است. از آنجاکه «یعقوبی» درباره اهل مدینه می‌گوید: «أهلها المهاجرون والانصار والتابعون» (یعقوبی، بی‌تا، ۱۵۱). این تعریف از «اهل مدینه» پشتوانه تاریخی نیز دارد. علاوه بر عنصر مدنی بودن، توجه به گزاره «امامیه» نیز به بازنمایی بخشی از اعتقادات و مبانی مفسران اشاره می‌کند. شیعه امامیه که به اختصار امامیه هم خوانده می‌شود، مذهبی است با ویژگی‌های مشخص که به آن جعفری، یا اثنا عشری نیز اطلاق می‌گردد (پاکتچی، ۱۳۸۹، ۱۰۹). به تعبیر دیگر، «شیعه امامی مذهب، کسی است که به وجوب امامت و وجود آن در هر زمانی باور داشته و نصّ جلی بر امام و عصمت و کمال را برای او واجب بداند و به تداوم و انحصار امامت در فرزندان امام حسین (ع) معتقد باشد.» (مفید، ۱۳۷۲، ۴). از این‌رو یکی از مختصات مفسران امامیه اعتقاد به جایگاه ویژه امامان در مکتب اعتقادی شیعه است. با توجه به مبانی اعتقادی امامیه و نیز با استناد به حدیث متواتر ثقلین و معیت و همراهی ثقلین، یگانه منبع موثق برای تبیین آیات الهی، عترت‌اند که آگاه به ظاهر و باطن و تنزیل و تأویل قرآن هستند. از این‌رو مبانی و روش‌هایی که این بزرگواران در تفسیر قرآن، الگوی مناسبی برای سایر مفسران است. البته لازم به ذکر است در محدوده زمانی مورد بحث در نوشتار حاضر، اساساً مرزبندی دقیقی بین مذاهب اسلامی و پیروان آنان مطرح نیست و امامی بودن مخصوصاً در سده اول بیشتر به معنای گرایش به اهل بیت (ع) است.

ویژگی صوری دیگری که فرکلاف در این سطح به آن می‌پردازد، ارزش‌های رابطه‌ای است که بر روابط اجتماعی تأکید می‌کنند که در گفتمان به اجرا درمی‌آید. در گفتمان تفسیری ما با نوعی از روابط سلسله مراتبی از جنس استاد و شاگرد مواجه هستیم. ائمه به عنوان بنیان و تعلیم‌دهندگان مدرسه تفسیری از یک‌سو و شاگردان مدرسه تفسیری از سوی دیگر این رابطه را شکل می‌دهند. این شاگردان نیز به میزان ارتباط با سطوح بالایی می‌توانند شاگردان با واسطه یا بی‌واسطه تلقی شوند.

اما سومین ویژگی صوری که فرکلاف به آن اشاره می‌کند، ارزش‌های بیانی است. به این معنا که متن و گفتمان حاصل از آن چگونه برخی از ویژگی‌های خاص هویت‌های اجتماعی را برجسته می‌سازد و برخی از ویژگی‌ها را رد می‌کند. در گفتمان تفسیری امامیه، با تعبیری چون مفسران حقیقی قرآن مواجه هستیم که دارای ارزش بیانی مثبت است که خود بیان‌کننده ارزش‌های تجربی است و مختصات جهان مفسران امامیه را نشان می‌دهد. این جریان تلاش می‌کند از تفسیر به رأی جلوگیری نماید. تفسیر به رأی در حقیقت به نوعی تحریف معنوی کلام است که موجب دور شدن از حقایق قرآن کریم و معارف حقیقی دین خواهد بود. لذا پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، تفسیر قرآن بر اساس رأی را به شدت مذمت کرده‌اند. از این‌رو کسانی که اقدام به تفسیر به رأی می‌کنند در این گفتمان دارای ارزش بیانی

منفی هستند. از آن سو شاگردان و تابعان مکتب تفسیری امامیه ارزش بیانی مثبتی را حمل می کنند.

❖ وجهیت

مفهوم وجهیت، مفهومی مهم برای ارزش های رابطه ای و بیانی در دستور است. اگر مسئله اقتدار یکی از مشارکین در رابطه با دیگران مطرح باشد، وجهیت رابطه ای است و اگر مسئله اقتدار گوینده یا نویسنده در رابطه با احتمال یا صدق بازنمایی واقعیت مطرح باشد، با وجهیت بیانی سروکار داریم (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۱۹۳). بنا بر باور شیعی، احاطه علمی و دانش گسترده ائمه (ع) به قرآن کریم نکته ای است که نه تنها سیره علمی ایشان در تفسیر قرآن مؤید آن است، بلکه در روایات متعددی نیز به آن تصریح شده است. کلینی در کافی بابی را در رابطه با علم اهل بیت (ع) به قرآن به نام «باب أنه لم یجمع القرآن كله إلا الأئمة عليهم السلام و أنهم يعلمون علمه كله» گشوده و روایاتی را در این خصوص آورده است (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ۲۳۹). این قبیل روایات حاکی از دانش گسترده اهل بیت (ع) و علم لدنی ایشان به قرآن و تفسیر آن است. این امر نشان از اقتدار گویندگان اصلی گفتمان تفسیری امامیه دارد که وجهیت رابطه ای را در قیاس با سایر مکاتب تفسیری بیان می کند.

❖ کنشگران و کنش پذیران

گفتمان تفسیری امامیه، مفهوم مرکبی است که در واکاوی اصطلاحی، قابل انقسام به سه مؤلفه اصلی است. مؤلفه نخست، بنیان گذار گفتمان تفسیری است که می تواند فرد یا گروهی از افراد باشند؛ مؤلفه دوم، شاگردان مکتب تفسیری اند که در راستای مبانی و اصول طراحی شده از سوی مؤسس، عمل کرده و به نشر معارف آن می پردازند و مؤلفه سوم منطقه و محیط جغرافیایی است که گفتمان تفسیری در آن شکل گرفته است. از بین این سه بخش، بخش اول و دوم تعیین کننده کنشگران و کنش پذیران گفتمان تفسیری امامیه هستند. در گفتمان تفسیری امامیه ما با ائمه علیهم السلام به عنوان کنشگران اصلی (مفسران حقیقی و اصیل) مواجه هستیم و شاگردان مدرسه تفسیری ایشان، کنش پذیرانی هستند که تفاسیر خود را تحت تعالیم اصول این مدرسه تفسیری سامان می دهند. در سطح بعد سایر کسانی که از آبشخور این مکتب بهره می برند، به نوعی کنش پذیران با واسطه محسوب می شوند.

۲.۴. سطح تفسیر

دومین سطح در تحلیل گفتمان انتقادی، سطح «تفسیر» است. فرکلاف این سطح را مرکب از محتویات متن همراه با ذهنیت مفسر می داند که منظور همان پیش فرض ها، پیش فهم ها و دانش زمینه ای است و مفسر در برخورد با متن و برای دریافت معنای متن، از آنها بهره می گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۲۱۵). در این مرحله بافت موقعیت نیز به کمک می آید؛ یکی از زمینه هایی که به تحلیل گفتمان کمک می کند توجه به زمان شکل گیری گفتمان در بافت موقعیت است. بخش هایی از متون دینی، بازتابی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی حاکم بر عصر نزول و صدور است که برای فهم صحیح آنها و دستیابی به مراد حقیقی هر کدام لازم است بستر نزول و صدور و کنش مخاطبان آن نیز مدنظر قرار گیرد. رمزگشایی از این جنبه ها، عمق ادراک آدمی را از متون دینی افزایش می دهد. از این رو در بررسی گفتمان تفسیری امامیه، به سیر تکوین این مدرسه پرداخته می شود. در این روند به بافت موقعیتی که متن (گفتمان تفسیری) در آن شکل گرفته و نیز بافت بینامتنی یعنی سیر تاریخی و پیوست ها و گسست ها با سایر گفتمان ها توجه می شود تا از این طریق تعیین ها و تأثیرات اجتماعی گفتمان، که ماهیتاً از دید مشارکان آن مخفی مانده است، آشکار شود (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۲۷). تا از این طریق به این امر نزدیک شویم که گفتمان موردنظر در پی ایجاد و یا بازتولید چه ساختار و روابطی

با سایر مشارکت‌کنندگان گفتمان است. در این مرحله، مؤلفه‌ها و موضوعات مطرح‌شده در متن، که در مرحله توصیف فهرست‌برداری شده‌اند، بررسی و دلیل انتخاب آنها تحلیل می‌گردد و سعی می‌شود نگرش مؤلف نسبت به جهان واقع مشخص شود؛ یعنی تحلیل در این سطح به دنبال دلیل انتخاب‌ها و نگرش مؤلف است (میرفرخایی، ۱۳۸۴، ۶۶). در مراحل تطوّر گفتمان تفسیری، با توجه به سیر تدریجی علوم و از جمله علم تفسیر که ابتدا ریشه در روایات دارد می‌توان مراحل سه‌گانه‌ای را برای تکوین گفتمان تفسیری امامیه متصور شد که در هر دوره تفسیر امامیه دارای ویژگی‌ها و امتیازات خاصی، منطبق بر شرایط و بافت موقعیت آن دوره است. در ادامه به بررسی این ادوار سه‌گانه می‌پردازیم.

❖ دوره پدیداری و تثبیت تفسیر در گفتمان امامیه

در بررسی روند شکل‌گیری مدرسه تفسیری امامیه، مرحله اول، دوره پدیداری و تثبیت آن است. درک بهتر این مرحله مستلزم آگاهی از شرایط تاریخی و فرهنگی مدینه است. بافت اجتماعی مدینه، متشکل از قبایل بزرگی چون بنی قنیف، بنی قریظه و بنی نضیر از یهود و اوس و خزرج از عرب بود (حموی بغدادی، ۱۹۹۵، ۸۴). پس از هجرت به مدینه، بنای مسجد از سوی پیامبر (ص) به‌عنوان مرکز شهر، بافت جغرافیایی آن متمرکز شد و مدنیت یافت (جعفریان، ۱۳۷۳، ۱۹) و اولین پایتخت اسلامی که مرزهای آن بین دو حره شرقی و غربی و دو کوه شمالی و جنوبی «احد» و «عیر» تأسیس شد (سمهودی، ۲۰۰۶، ۷۵-۸۷). دوره پدیداری تفسیر که هم‌زمان با نزول قرآن آغاز شد، به لحاظ کیفی و کمی به‌شدت متأثر از فضای فرهنگی و اجتماعی و سطح علمی مخاطبان است. از آن حیث که تبیین و تفسیر قرآن از ضرورت‌های رسالت نبوی (ع) محسوب شده لذا پیامبر اکرم (ص) تدابیر ویژه‌ای را در جهت تداوم جریان صحیح تفسیر اعمال نمودند. با این حال در این دوره به دلیل نزدیکی به عصر نزول و آشنایی اعراب با ظاهر الفاظ قرآن و درک نسبی از آن و نیز بساطت فکری مسلمین و محدود بودن نیازها و دغدغه‌های علمی‌شان، تفسیر آیات قرآن با هدف رفع نیازهای عمومی مردم و در قالب روایات در زمینه بیان احکام، بیان شأن نزول و شرح لغوی پاره‌ای از آیات صورت می‌پذیرفت و این امر به تثبیت و تداوم تفسیر کمک می‌نمود. در این دوران تفسیر به‌عنوان دانشی مستقل در علوم اسلامی مطرح نبود و در قالب احادیث روایی قابل دستیابی است (عروسی حویزی، بی‌تا، ۳؛ و نیز ر.ک: عیاشی، بی‌تا، ۲۲).

با در نظر گرفتن شاخصه‌های این دوره، محدوده زمانی این دوره شامل دوران امامت امام علی (ع) تا دوران امامت امام سجاد (ع) می‌شود. پس از رحلت پیامبر (ص) با توجه به عدم تدوین فقه نبوی و نادیده انگاشتن مرجعیت علمی امام علی (ع) هر چند شعار خلفای صدر اسلام استفاده از سنت رسول خدا (ص) بود، اما در مواردی، خلیفه می‌توانست به اجتهاد خویش عمل کند این عمل خصوصاً در زمان خلیفه دوم، که شالوده فکری اهل سنت از فکر و اندیشه اوست، بسیار مشاهده شد و بسیاری از اصحاب پیامبر (ص) در مدینه، تحت الشعاع سیطره فرهنگی خلیفه بودند (ر.ک: ابن حنبل، ۱۹۶۹، ۱۶۲؛ عجلی کوفی، ۱۴۰۵، ۶۰). از این‌رو پس از رحلت پیامبر (ص) شاهد شکل‌گیری گفتمانی در مقابل گفتمان تفسیری امامیه هستیم. در این دوره دو مکتب و جریان فکری شکل گرفت (ر.ک: عسکری، ۱۳۸۲). جریان گفتمانی‌ای که بر آمده از سیاست‌های حاکم بر جامعه بود، به تقابل با گفتمان تفسیری اهل بیت پرداخت و از یک‌سو با اعمال محدودیت بر مکتب اهل بیت (ع) و از سوی دیگر با فراهم نمودن زمینه توسعه مکتب مقابل (مکتب خلفا) شرایط تازه‌ای را رقم زد. اندک بودن روایات امام حسن (ع) (ر.ک: بدری، ۱۴۳۴، ۲۳)، امام حسین (ع) (ر.ک: همان، ۱۵۵) و امام سجاد (ع) سنجۀ خوبی برای صحت این سخن است (عطاردی، ۱۴۱۰، ۶۵۷-۷۰۹).

عامل دیگری که این تقابل گفتمانی را نشان می‌دهد، شکل‌گیری و فعالیت هسته‌ای فقهی به نام «فقه‌های سبعة» در مدینه است. نگاهی به روایت‌های آنان در جوامع روایی و توجه به شیوخ و شاگردان آنها حاکی از کثرت مکتب خلفاست (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۱۴۴). با وجود اینکه امام سجاد (ع) در مدینه صاحب کرسی تدریس بوده‌اند (همان، ج ۵، ۱۶۷) و فقه‌های سبعة از ایشان نیز نقل حدیث می‌کردند اما شمرده نشدن ایشان در زمره فقه‌های سبعة، حاکی از اعمال نفوذ بنی‌امیه در غلبه دادن گفتمان موافق خود بر گفتمان تفسیری و جریان فکری اهل بیت (ع) است.

❖ دوره توسعه و شکوفایی گفتمان تفسیری امامیه

دوران توسعه و شکوفایی تفسیر امامیه در بازه زمانی امامت امام باقر (ع) و امام صادق (ع) رخ داده است. این دوران، دوره شکوفایی مکتب اهل بیت (ع) و نیز مکتب خلفاست. پیدایش سه مذهب از چهار مذهب اصلی اهل سنت در این بازه زمانی و انسجام مکتب اهل بیت (ع) در پرتو مدرسه صادقین (ع) حاکی از شکوفایی تفک امامیه است. از این‌رو در این دوره در هر دو گفتمان توسعه صورت می‌گیرد. از جمله فقه‌های مشهور این عصر که دارای کرسی تدریس مسجد النبی (ص) بوده‌اند افرادی چون «عبدالرحمان بن قاسم بن محمد بن ابی بکر» (د. ۱۲۶ق) «ابن شهاب زهری» (د. ۱۲۴ق)، «ابوالزناد، عبدالله بن ذکوان» (د. ۱۳۰ق)، «محمد بن ابی بکر بن عمرو بن حزم» (د. ۱۳۲ق)، «عبدالله بن ابی بکر بن عمرو بن حزم» (د. ۱۳۵ق)، «زید بن اسلم» (د. ۱۳۶ق) و «مالک بن انس» (د. ۱۷۹ق) را می‌توان نام برد (ابن سعد، ۴۰۰، ۱۴۱۰-۴۳۵). برخی فقها و مفسران در این دوره از هر دو جریان گفتمانی مکتب خلفا و مکتب اهل بیت (ع) بهره می‌بردند، یحیی بن سعید خزر جی (د. ۱۴۳ق) قاضی مدینه و حیره از شاگردان انس بن مالک، قاسم بن محمد بن ابی بکر، امام سجاد (ع) و امام صادق (ع) بوده است (همان، صص ۴۳۵، ۴۳۴). محمد بن عبدالرحمان بن مغیره معروف به «ابن ابی ذویب قرشی» (د. ۱۵۹ق) از شاگردان روایی عکرمه، زهری و امام صادق (ع) بوده است؛ اما علی‌رغم بهره‌گیری این عالمان از مکتب اهل بیت (ع) باید آنان را پیروان مکتب خلفا دانست؛ زیرا این بهره‌گیری، هیچ‌گونه تبعیت و التزامی به مکتب اهل بیت (ع) برای آنان در پی نداشت. به این معنا که تبعیت از مکتب اهل بیت (ع) یک ارزش تجربی و یا یک ارزش بیانی مثبت و ویژه برای ایشان قلمداد نمی‌شود. بلکه برای طرفداران مکتب خلفا، بهره‌گیری از مکتب اهل بیت (ع) در کنار سایر مفسران و فقیهان صحابی و تابعی، فرصتی برای توسعه علوم تفسیری است.

لذا حضور ائمه (ع) در لایه‌های پنهانی فرهنگ اسلامی تأثیر ژرف خود را برجا گذاشت. وجود ائمه (ع) به‌عنوان عدل قرآن و زعیمان فکری و فرهنگی جامعه اسلامی در مدینه سبب شد تا علاوه بر شیعه شمار زیادی از اهل سنت و در رأس آنان علمای اهل سنت نیز از پرتو وجود آنان شعاعی بگیرند. برخی از علما و چهره‌های برجسته اهل سنت نظیر مالک بن انس (م ۱۷۵ق) از بزرگان اهل سنت، مدتی در محضر امام صادق (ع) تلمذ کرده (همان، صص ۳۴)، سفیان بن عیینه (۱۰۷-۱۹۸ق) از امام صادق (ع) روایت نقل کرده است (صدوق، ۱۲۰۴، ۱۸ و ۲۳۳). وی تفسیر برخی از آیات را مستقیماً از امام صادق (ع) نقل می‌کند. از این‌رو تأثیر گفتمان تفسیری امامیه در لایه مستقیم بر شیعیان و در لایه غیر مستقیم بر اهل سنت قابل ردیابی است.

در میانه قرن سوم شیعه امامیه را جعفریه می‌نامیدند. این امر حاکی از نقش امام صادق (ع) در شکل‌دهی به فرهنگ امامیه بوده است (پاکتچی، ۱۳۸۹، ۱۸۵). گفتمان اعتقادی و تفسیری امامیه در دوران صادقین (ع) مرزهای مدینه را درنوریده و در سرزمین‌های دیگر اسلامی مانند کوفه متجلی شده است. مدینه به دلیل حضور حداکثری

صحابه و نیز حضور بیش از دو و نیم قرن ائمه اطهار (ع) و تلاش‌های مستمر آنان در ترویج سنت نبوی در قرون اولیه اسلام، مقصد سفرهای حدیث‌پژوهی بوده است. از این‌رو، حضور صادقین (ع)، مدینه را کانون توجه حدیث پژوهان گرداند و مقصد رحلات حدیثی گردید (رک: موسی، ۱۴۲۸، ۴۷۱-۵۵۷). در همین راستا یکی از تطورات تفسیری امامیه گسترش تدریجی قلمرو تفسیر از جهت کمی و کیفی است که درنهایت آن را به دانشی مستقل تبدیل نمود. در این دوران اصلی‌ترین مکاتب کلامی و فقهی شکل گرفتند. طرح مباحث نظری، ارتباط مسلمانان با دیگر ادیان و نهضت ترجمه در روند استقلالی دانش تفسیر تأثیری شگرف داشته است. از این‌رو این دوره را می‌توان دوره شکل‌گیری و بعضاً تلازم گفتمان‌های گوناگون دانست که غالباً با یکدیگر اختلاف گفتمانی از حیث مبانی و اصول داشتند. در همین دوره و متأثر از فضاها، گفتمانی، نمونه‌هایی از تفاسیر اجتهادی با گرایش فقهی، کلامی و ادبی در بین میراث مکتوب ظهور می‌یابد، هر چند وجه غالب میراث مکتوب تفسیر در عصر حضور، بیشتر صبغه روایی دارد. با این حال شاهد کاربرد تفسیر در علوم مختلفی همچون علم فقه، کلام، علوم ادبی و... هستیم. فقها، متکلمین و ادبا از ظرفیت‌های قرآن جهت اثبات و اتقان و استناد مطالب خود بهره می‌بردند و به موازات شکل‌گیری علوم مذکور، دانش تفسیر نیز رو به سوی توسعه و استقلال داشت. از اطلاق عناوینی چون «احکام القرآن»، «معانی القرآن»، «غریب القرآن»، «اعراب القرآن» بر آثار تفسیری عصر حضور، روند استقلالی تفسیر و نیز شکل‌گیری علمی چون فقه و ادبیات استنباط می‌شود.

در این دوره به تدریج تحول دیگری در تفسیر رخ داد و آن تألیف تفاسیر موضوعی بود؛ وجود احادیثی از ائمه (ع) نظیر پاسخ امام صادق (ع) به ابوعمر در شناخت وجوه کفر در قرآن (کلینی، ۱۴۱۳، ۳۸۹) و دیگر مفسران که به شیوه تفسیر موضوعی عمل کرده‌اند حاکی از این مدعاست. همچنین می‌توان به تفسیر موضوعی زیدبن علی (ع) اشاره کرد. محمد بن سائب کلبی (متوفای ۱۴۶ هـ.ق) نیز تفسیری را با عنوان «تفسیر الآی الذی نزل فی اقوام باعیانهم» تألیف کرده است (داوودی، بی‌تا، ۱۴۴)؛ بنابراین تفسیر در این دوره، تطوراتی را پشت سر نهاده است و صبغه‌های ادبی، فقهی و کلامی را به خود گرفته است.

❖ دوره رکود و افول گفتمان تفسیری امامیه

گفتمان تفسیری امامیه در سیر تاریخی خود با شهادت امام صادق (ع) وارد مرحله دیگری شد. دوران امامت امام کاظم (ع)، به دلیل استقرار حکومت بنی‌عباس، سختگیری به ائمه اهل‌بیت مجدداً فزونی یافت (معارف، ۱۳۷۲، ۳۳۲). در این دوره گفتمان رقیب مکتب اهل‌بیت، حکومت بنی‌عباس است که هر چند در هم صدایی با اهل‌بیت برای کوتاه کردن ظلم بنی‌امیه و بنی‌مروان بر سر کار آمدند، اما به مراتب شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شدیدتری را برای اهل‌بیت (ع) به جود آوردند. تا جایی که دوران امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) را شاید بتوان دوران رکود گفتمان تفسیری امامیه نامید؛ زیرا شرایط اجتماعی و سیاسی این دو بزرگوار به گونه‌ای بود که کمتر به تفسیر به‌عنوان دانشی مستقل نگریسته شد و روایات تفسیری نیز عمدتاً در پاسخ‌گویی به نیازهای فکری جامعه بوده و ائمه (ع) در این دوران در جهت تبیین صحیح اعتقادات اسلامی و نیز مبارزه با جریانات انحرافی به آیات قرآن استناد می‌نمودند. از این‌رو قدرت گرفتن و پر رنگ شدن جریان‌ها و گفتمان‌های رقیب در جامعه، سوگیری جریان تفسیری و گفتمان ائمه را به سمت مبارزه با جریانات انحرافی و پاسخ به شبهات سوق داد.

از اواخر دوره امامت امام جواد (ع) فشار بر شیعیان فزونی یافت در دوران امام هادی (ع)، مطابق اسناد تاریخی،

مأموران متوکل عباسی بارها به منزل حضرت ریخته و به تفتیش بیت حضرت پرداختند (همان، ۳۲۸). در زمان امام حسن عسکری (ع) این امر شدت بیشتری گرفت. به طوری که می‌توان گفت فشار اصلی بر شیعیان از این دوره آغاز شد. به همین سبب از امامان در این دوره، احادیث کمی در اختیار داریم.

با این حال در کنار جریان مستمر جبهه مقابل که با اعمال محدودیت و کارشکنی‌های خود عرصه را برای اهل‌بیت (ع) و پیروان مکتب ایشان تنگ می‌کردند، نمی‌توان منکر تأثیر جریان گفتمانی تفسیر امامیه در شکل‌گیری مدارس علمی در شهرهایی چون بغداد، قم، ری و... شد. کوفه که در دوره صادقین (ع) عصر طلایی خود را می‌گذراند در این دوران به افول گرایید، اما بزرگانی از مدرسه کوفه به دیگر بلاد اسلامی رفته و پایه‌های مکتب شیعه و مدارس علمی آن را بنیان نهادند. مدینه نیز در این دوران اندک اندک از حضور معصومین (ع) محروم گردید، به طوری که در عصر امام هادی و امام عسکری (ع) حتی در سامرا نیز بهره‌گیری از حضور ایشان به طور مستقیم با دشواری‌های بسیاری همراه بود؛ بنابراین می‌توان گفت از عصر امام جواد (ع) گفتمان امامیه در مدینه رو به افول نهاد.

۳.۴. سطح تبیین

سطح نهایی تحلیل گفتمان انتقادی، سطح «تبیین» است. در این مرحله با توجه به نتایج سطوح توصیف و تفسیر، گفتمان به مثابه کنش اجتماعی نقش ایفا می‌کند تا مشخص شود که ساختارهای اجتماعی چگونه به گفتمان تعین خاص می‌بخشند. نتایج بررسی در سطح تبیین نشان می‌دهد که گفتمان تولید شده چه تأثیراتی در ساختارها و نهادهای اجتماعی که متن در بستر آنها شکل گرفته است، بر جای می‌گذارد؛ تأثیراتی از قبیل حفظ یا تغییر ساختارهای موجود (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۲۴۵). در واقع هدف از مرحله تبیین، ترسیم گفتمان به منزله بخشی از یک فرایند اجتماعی در برهه زمانی و مکانی ظهور آن است. مرحله تبیین، در عمق متن صورت می‌گیرد و ماهیتی غیرمتنی و ایدئولوژیک دارد.

گفتمان تفسیری امامیه با نزول قرآن آغاز شد و در روند خود ساختارهایی را شکل داد. چنانچه «گفتمان به واسطه ساختارها شکل می‌گیرد اما خود در شکل‌دهی و شکل‌دهی مجدد ساختارها و در باز تولید و تغییر آنها نیز سهم دارد» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۹۶). مدرسه علمی مدینه، با مرکزیت مسجدالنبی (ص) توسط پیامبر (ص) تأسیس شد. این مدرسه به لحاظ ساختار محتوایی مرزهایی را بسیار فراتر از کتابت و قرائت قرآن درنوردید. حدیث منبع و مبنای همه علوم از جمله فقه، تفسیر، تاریخ و... بوده و محدثان و علمای حدیث، عالم به فقه، تفسیر و تاریخ نیز بوده‌اند (رک: موسی، ۱۴۲۸، ص ۳۳۰)؛ بنابراین مدینه به عنوان نخستین پایگاه در نشر احادیث، دارای مرکزیت علمی و تأثیرگذاری بر سایر مدارس و محافل علمی بوده است. مدینه از متقن‌ترین مراکز و مدارس اسلامی در اهتمام به سند احادیث بود چون هدف از اسناد، رسیدن به حقیقت اقوال و افعال پیامبر (ص) بود، بسیاری از اصحاب سنت نبوی را در مدینه درک کرده بودند و بهترین منبع برای روایت احادیث بودند و از روش‌هایی دقیق در نقل روایات استفاده می‌کردند (عدنان علی الفراجی، ۱۴۲۷، ۱۲۵).

«کارکرد ایدئولوژیک» گفتمان یکی دیگر از اصولی است که در تحلیل گفتمان انتقادی در نظر گرفته می‌شود (Schiffrin & the others, 2005, 353). تبلور ایدئولوژی و دیدگاه‌های فکری- اجتماعی از طریق مؤلفه‌های خاصی در

متن، صورت می‌پذیرد که «ساختارهای گفتمان‌مدار»^۷ نام دارد. ساختارهای گفتمان‌مدار، مشخصه‌های زبان‌شناختی یا جامعه‌شناختی‌ای هستند که کاربرد یا عدم کاربرد آنها در متن، سبب برداشت‌های متفاوت از متن می‌شود (یار محمدی، ۱۳۸۳، ۱۶۱). مؤلفه‌ای اجتماعی که در سیر تکوینی گفتمان تفسیری امامیه در مقام «ساختار گفتمان‌مدار» نمود دارد، نشان دادن مرجعیت اصلی در تفسیر و تبیین قرآن است. از این‌رو ساختارهایی که برای تربیت شاگردان با واسطه و بی‌واسطه صورت می‌گیرد، در راستای تربیت نگاه تفسیری مفسران و آحاد کسانی است که به قرآن مراجعه می‌کنند تا تبیین درست آن را دریابند. با توجه به بافت موقعیتی که گفتمان تفسیری امامیه در ادوار گوناگون، ترویج این گفتمان گاهی با آسانی و بعضاً با سختی رو به رو بوده است. چرا که با توجه به ساختارهای حاکمیتی، باز تعریف ساختارهای مفهومی و ارزشی مکتب اهل‌بیت (ع) با مخالفانی رو به رو بوده است که نه تنها اجازه گسترش گفتمان اهل‌بیت (ع) را نمی‌دانند، بلکه از هیچ تلاشی برای به انزوا کشیدن این گفتمان فروگذار نمی‌کردند. این انزوا تا جایی است که حتی در دوره صادقین (ع) که دوره توسعه و شکوفایی گفتمان امامیه تلقی می‌شود، با شکل‌گیری سه مذهب فقهی اهل سنت مواجه هستیم که محل رجوع افراد جامعه هستند. از این‌رو در سیر تکوین گفتمان تفسیری امامیه باید مؤلفه مناسبات نابرابر قدرت میان گفتمان اهل‌بیت (ع) و گفتمان‌های رقیب را مدنظر داشت. با این حال تمام تلاش اهل‌بیت (ع) و مفسران امامیه این بوده که بتوانند به تناسب مقتضیات زمانی، برخی از حوزه‌های معنایی در گردش در جامعه را تغییر دهند. مهم‌ترین این تغییرات تغییر نگرش جامعه به سوی تبیین‌کنندگان و مفسران حقیقی قرآن است. تا از این طریق بتوانند نه در لایه‌های حکومتی بلکه در مناسبات فرهنگی و تربیتی مناسبات قدرت را تغییر دهند و گفتمان برتر را معرفی نمایند. چنان‌چه رویکرد انتقادی تلاش دارد تا نقش تأثیرات گفتمانی در مناسبات قدرت در جامعه را آشکار نماید تا با عنایت به نتیجه تحلیل گفتمان انتقادی شرایط ایجاد تغییر فراهم گردد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ۱۱۵). شاهد این امر تأثیرگذاری در سایر جریانات گفتمانی است. ائمه اطهار (ع) با تربیت شاگردان و اصحاب برجسته، اندیشه‌های خود را در بلاد مختلف اسلامی گسترانیدند. در حقیقت شعاع اندیشه‌های امامیه در مکاتب دیگر تفسیری پرتو افکنده است. کوفه و مدینه در جغرافیای تفکر شیعی دو نقطه حساسند. مدینه به سبب حضور حداکثری امامان شیعه در آن و کوفه به دلیل آنکه محل رشد و توسعه تفکر شیعه است بسیار مهم هستند. همچنین با توجه به شاگردی ابن عباس، زعیم مدرسه تفسیری مکه و نیز ابن مسعود زعیم مدرسه کوفه در محضر امیر مؤمنان (ع) به نظر می‌رسد بارزترین مدارس تفسیری، نظیر مدرسه تفسیری مکه و مدرسه تفسیری کوفه و زعمای این مدارس متأثر از گفتمان تفسیری امامیه در مدینه بوده‌اند.

در واقع در اثر کارکرد گفتمان تولید شده، برجسته‌سازی حول محور مفسران حقیقی و نشان دادن نظام تقابلی مکتب اهل‌بیت (ع) و مکتب خلفا و نیز سایر گفتمان‌ها صورت می‌پذیرد. چرا که مشاهده می‌شود علی‌رغم تدابیر پیامبر (ص) برای زعامت امت اسلامی، جریان سقیفه و تحولات بعد از رحلت، دوری جامعه اسلامی از مکتب اهل‌بیت (ع) را در پی داشت (ر.ک: جوهری، ۱۴۱۲). منع تدوین حدیث و نقل احادیث پیامبر (ص) از بارزترین مشخصه‌های این دوره است (ذهبی، ۱۴۱۱، ۵). این امر، ضرر جبران‌ناپذیری به حوزه معرفتی اسلام وارد کرد. در همین راستا برای پر کردن خلأهای معرفتی، «اسرائیلیات» رواج یافت. رجوع به اهل کتاب را می‌توان تا حدودی در جهت کم‌رنگ کردن

7. Discursive structures

مرجعیت فکری امام علی (ع) در این دوران دانست. از این رو جریان‌های تفسیری مقابل تلاشی برای تولید گفتمان ایدئولوژیک است چرا که تولید هر متنی در هر بافت، محصول ایدئولوژی حاکم بر نهادهای سیاسی و اجتماعی آن است (فردوس آفاگل زاده، ۱۳۸۵، ۱۳۷).

۵. نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان یکی از روش‌های کیفی مطالعه در حوزه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی است که می‌کوشد با مطالعه عوامل فرامنتی کاری فراتر از تحلیل‌های سنتی ارائه کند. با این نگاه و از طریق تحلیل در سه سطوح سه‌گانه فرکلاف مشخص گردید که با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر مدینه و میزان توفیق حاکمان وقت در به انزوا کشاندن مراجع فکری امامیه به نظر می‌رسد گفتمان تفسیری امامیه در مدینه مراحل چهارگانه آغاز، اوج، رکود و افول را پشت سر گذاشته است. از جمله مؤلفه‌های مهم در بررسی سیر تکوین گفتمان تفسیری امامیه توجه به جایگاه امام در فرهنگ شیعی است. البته باید در نظر داشت از آنجاکه در محدوده زمانی مورد بحث، مرزبندی دقیقی بین مذاهب اسلامی وجود ندارد، امامی بودن در سده اول به معنای گرایش به اهل بیت (ع) موضوعیت دارد؛ اما همین امر به معنای پذیرش اهل بیت (ع) به عنوان کنشگران اصلی جریان حقیقی تبیین و تفسیر قرآن است. با این حال باید خاطر نشان کرد با عنایت به این که اهل بیت (ع) نتوانستند در رأس حکومت سیاسی و اجتماعی جامعه قرار بگیرند، امکان غلبه سیاسی بر گفتمان رقیب میسر نشد اما با تلاش‌های ایشان، گفتمان تفسیری ائمه در ساختار تربیتی و فرهنگی خود به پیش رفت و ما شاهد جریان مستمری از حضور ائمه (ع) هستیم که این جریان و تأثیرات آن بنا به شرایط و بافت موقعیت ضیق و شرح می‌یابد. در این میان دال مرکزی گفتمان در سیر تکوین تفسیر امامیه، پافشاری بر احیاء و بقاء سنت تبیین نبوی از قرآن است که این تلاش، جریان مستمری را رقم زد که در رأس آن ائمه (ع) به عنوان کنشگران اصلی (مفسران حقیقی) حضور دارند و در لایه بعد شاهد تربیت شاگردانی به عنوان کنش پذیرانی هستیم که در تداوم این جریان ایفای نقش می‌کنند. این جریان تفسیری در ادوار مختلف خود از دوره پدیداری تا دوره افول در تقابل با گفتمان‌های رقیبی است که از قضا قدرت ظاهری سیاسی و اجتماعی جامعه را در اختیار دارند. ساختار قدرتی که عرصه را برای اشاعه گفتمان تفسیری امامیه محدود می‌کردند.

دال مرکزی گفتمان تفسیری امامیه می‌تواند دوگانه‌ها و روابط تقابلی را نیز در شبکه گفتمان‌های موجود مشخص کرده و آنها را از یکدیگر تفکیک نماید. چنانچه شاهد تقابل گفتمانی مکتب اهل بیت (ع) با مکتب خلفا، جریان تفسیر به رأی، نحله‌ها و مکاتب فکری‌ای که در دوران حکومت بنی عباس از قبل نهضت ترجمه در فضای جامعه اسلامی شیوع یافتند و در نهایت گفتمان‌های خرد دیگری که در فضای جامعه اسلامی وجود دارند، هستیم. با این حال اهل بیت (ع) برای تعریف نظام‌های ارزشی در تبیین و تفسیر قرآن از هیچ تلاشی فرو گذار نکردند. محوریت این نظام ارزشی سوق دادن جریان تفسیری به جریان حقیقی و اصیل آن است. این نظام ارزشی در سایر مدارس تفسیری باز نمود می‌یابد. چنان چه می‌توان گفت وجود مدرسه تفسیری در مدینه با گرایش امامی، هر چند در مدینه منتفی نیست اما دستاوردها و نمونه‌های عینی آن در مدارس دیگر که در حقیقت شعبه‌ای از مدرسه مدینه بوده‌اند تجلی یافته است. در حقیقت به دلیل حضور حداکثری ائمه (ع) در مدینه، اندیشه‌ها، نظرات و مبانی تفسیر امامیه در مدینه بروز یافته و در مراکز دیگری مثل کوفه تبعیت شده است. لذا می‌توان گفت سیر تکوین گفتمان تفسیری امامیه در دو محور نظری و عملی قابل بحث است.

۶. منابع

- قرآن کریم.

۱. ابن حنبل، احمد (۱۹۶۹م). المسند، بیروت: المکتب الاسلامی و دارصادر للطباعة و النشر.
۲. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: علمی فرهنگی.
۴. آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، مجله ادب پژوهی، ش ۱، صص ۱۸-۲۷.
۵. بابائی، علی اکبر، (۱۳۸۶ش). مکاتب تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. بدری، سید سامی (۱۴۳۴ق). الامام الحسن (ع) فی مواجهه الانشقاق الاموی، قم: الفقه للطباعة و النشر.
۷. بشیر، حسن (۱۳۸۵). روش عملیاتی تحلیل گفتمان، تهران: انتشارات سروش.
۸. پاکتچی، احمد (۱۳۸۹ش). مقاله امام جعفر صادق (ع)، تهران، دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۷۳). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
۱۰. جوهری، احمد بن عبد العزیز (۱۴۱۲). السقیفه و فدک، تحقیق محمد هادی الامینی، بیروت: بی نا.
۱۱. حموی بغدادی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). معجم البلدان، بیروت: دارصاد، چاپ دوم.
۱۲. داودی، محمد بن علی (بی تا). طبقات المفسرین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۱ق). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. سمهودی، نورالدین علی بن احمد (۲۰۰۶م). وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی (ص)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۵. شکرانی، رضا؛ مطیع، مهدی، فانی، مرضیه (۱۳۸۹). «گفتمان کاوی و کاربست آن در متون روایی»، عیار پژوهش در علوم انسانی، سال دوم، شماره دوم، صص ۷۱-۱۰۰.
۱۶. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۲۰۴ق). عیون اخبار الرضا، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. عجلی کوفی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۵). معرفه الثقات، مدینه: بی نا.
۱۸. عدنان علی الفراجی (۱۴۲۷ق). الحیاه الفکریه فی المدينه المنوره فی القرنين الأول و الثانی للهجرة، بیروت: الدار العربیه للموسوعات.
۱۹. عروسی حویزی، علی بن جمعه (بی تا). نور الثقلین، تصحیح و تعلیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی، قم: مطبعة الحکمة.
۲۰. عسکری، سید مرتضی (۱۳۸۲ش). نقش ائمه (ع) در احیای دین، تهران: بی نا.
۲۱. عطاردی، عزیز الله (۱۴۱۰ق). مسند الامام الجواد ابن جعفر محمد بن علی الرضا علیهما السلام، مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا). تفسیر العیاشی یا التفسیر، تهران: مکتبه علمیة اسلامیة، تهران.
۲۳. فرقانی، محمد مهدی (۱۳۹۷). راه دراز گذار، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۴. فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی، مترجم فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق). اصول الکافی، بیروت: دارالاضواء.
۲۶. کوبلی، پاول (۱۳۸۷). نظریه‌های ارتباط، مترجم احسان شاه قاسمی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۷. معارف، مجید (۱۳۷۴ش). پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح.
۲۸. مفید، محمد بن نعمان (۱۳۷۲ش). اوائل المقالات فی مذاهب والمختارات، تحقیق مهدی محقق. بی‌جا، بی‌نا.
۲۹. موسی، محمد الثانی عمر (۱۴۲۸ق). المدرسه الحدیثیه فی مکه و المدینه و اثرها فی الحدیث و علومه، ریاض: مکتبه دارالمنهاج.
۳۰. میر فخرایی، تزا (۱۳۸۴). فرایند تحلیل گفتمان، تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها (مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها).
۳۱. ون دایک، تئون (۱۳۸۷). مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه شعبانعلی بهرامپور، تهران: دفتر مطالعات در رسانه‌ها.
۳۲. یار محمدی، لطف‌الله، (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.
۳۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (بی‌تا). تاریخ الیعقوبی، قم: مؤسسه و نشر فرهنگ اهل‌بیت.
۳۴. یورگنسن، ماریان؛ فیلیپس، لوییز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، مترجم هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

35. Fairclough, Norman (2001). Language and Power, London: Longman, second edition.
36. Jaworski Adam & Coupland Nikolas (1999). The Discourse Reader, Routledge.
37. Schiffrin, Deborah; Tannen, Deborah; Hamilton, Heidi E (2005). The Handbook of Discourse Analysis, Blackwell Publishers Ltd.